

نقش توطئه نامه هشدار در انتخابات جمهوری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

یکی از پدیده های کاملاً نوظهور در انتخابات ریاست جمهوری فرقه تبهکار، نقش بسیار کم رنگ تحریم انتخابات بود. مقصود این نیست که انتخابات ریاست جمهوری با تحریم ذاتی مواجه نبود بلکه بود ولی کار بردی نداشت و آنهم در حدی که به عینه اصلاً تحریمی دیده نمیشد، و جریان انتخابات با موانع ناشی از تحریم انتخابات روبرو نگردید و در کلامی دیگر تحریم شرکت در انتخابات، که یک سابقه چندین ساله داشت در انتخابات اخیر فرقه تبهکار جایش خالی بود.

این توضیح همینجا لازم است که تحریم انتخابات از امور ذاتی است نه نسبی؛ یعنی تحریم را نمیشود بوجود آورد بلکه وجود آنرا میتوان فراگیر ساخت؛ تحریم، در نفس مورد تحریم وجود دارد؛ مانند تحریمات قانونی و شرعی و در کلام دیگر چیزی را نمیشود حرام کرد مگر اینکه شرع آنرا حرام و یا قانون آنرا منع کرده باشد.

تحریم انتخابات جمهوری اسلامی و یا دیگر انتخابات آن فرقه تبهکار از امور ذاتی است؛ یعنی ذاتاً خلاف قانون اساسی مشروطیت و خلاف اسلام و حتی خلاف اعلامیه حقوق بشر است زیرا مبنای تعلق حق حاکمیت به مردم در ناصیه حقوق ملت ایران دیده نمیشود و سیره انتخابات با کنوانسیون بین المللی مجالس همخوانی ندارد.

موتور حرکت تحریم

اما تحریم انتخابات خود بخود عملی نمیشود، با وجود اینکه حق است ولی نماد خاصی متعلق به آن حق میباشد یعنی باید بوسیله آن نماد و قدرت اجرایی ناشی از حق نمادین او، آن حق تحریم را از قوه به فعل در آورد و تحریم انتخابات را اعلام کند این اعلام برای پیروان آن مقام، بمثابة فرمان است و همه مردم بدون نیاز به علت در آن شرکت میکنند.

متولیان تحریم

از آنجا که در ایران قبل از شورش ۵۷ آخوند اعظم متولی شرع شناخته میشد بنابراین تحریم و نظارت بر آن بر عهده او بود. و می بینیم که در تاریخ ایران همواره تحریمات با دست اندر کاری آخوند اعظم انجام شده است، مانند: تحریم تنباکو و یا تحریم شرکت در همه پرسی انقلاب سفید و فتوای بستن مغازه ها و امثال آنها...

از زمان شورش ۵۷ به این سو که آخوند بقدرت رسانده شد، تحریم انتخابات از حد آخوند خارج و در حد و در صدر اختیارات اعلیحضرت که نماد ملی حکومت قانونی ایران شناخته میشوند قرار گرفت زیرا همانطور

که آخوند متولی رعایت امور شرعی است شاه هم متولی رعایت قانون اساسی مشروطیت و حقوق ملت است.

بنابراین فرمان تحریم انتخابات، در حال کنونی و در عمل از حقوق انحصاری اعلیحضرت است که علاوه بر حکم ناشیه از سوگند سلطنت، در حال کنونی تنها رهبر مخالفان جمهوری اسلامی شناخته میشوند.

مقصود از حقوق انحصاری حقوق ناشیه از فرهنگ و سنت ایرانی است، نه حقوق ناشیه از قید قانون اساسی. مانند «چو فرمان یزدان چه فرمان شاه» که از حقوق فرهنگی و سنتی است نه نص قانون اساسی. همه افراد ملت ایران حق دارند تا در انتخابات شرکت کنند یا نکنند ولی این امر، فرق دارد با تحریم کردن انتخابات که نیاز به حکم دارد که در وضع فعلی، حکم اعلام و اجرای آن با اعلیحضرت است.

اعتبارتها زمینه های فرمان تحریم انتخابات

اینجاست که پای اعتبار و احترام عمومی نسبت به اعلیحضرت یعنی تنها کسی که حق تحریم انتخابات قانونا و بطور سنتی با ایشان است مطرح میگردد؛ زیرا هماتطور که در جامعه دینی آخوند اعظمی که اعتبار و حرمت خودش را از دست داد دیگر مرجع نیست (اعدام شیخ فضل الله مرجع تقلید) دائره حساس اعتبار و اعتماد عمومی، نمیتواند بر اعلیحضرت و هر کسی که ادعای رهبری مخالفان جمهوری اسلامی را داشته باشد تاسی و تاثیر گذار نباشد.

بیش بینی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی (فرقه تبهکار) که به اعتبار مشکلات داخلی و سیاسی و اختلافات قطبی نسبت به سلامت انتخابات و استفاده مخالفان جمهوری اسلامی در راستای تحریم انتخابات بسیار نگران بود و اوضاع و احوال نشان میداد که سیاست جهانی و موقعیت رضاپهلوی طوری است که میتواند مزاحم جدی برای انتخابات ریاست جمهوری باشد و دست کم با اعلام تحریم آن خللی در اهداف جمهوری اسلامی بوجود آورد، دست بکار برنامه ای شد که محصول آن قبل از انتخابات ریاست جمهوری بیار بنشیند و با ترتیب دادن نامه هشدار و محکمه صحرائی و بقیه داستان که مفصل آنرا می دانید موفق شد خطر تحریم انتخابات را از سوی اعلیحضرت و مخالفان جمهوری اسلامی کاملا بر طرف کند و همینطور هم عمل شد.

واما بعد

در هنگام آغاز توطئه نامه هشدار که بلافاصله به محکمه صحرائی و در جهت محکوم کردن اعلیحضرت بسرعت بکار افتاد یک چیز مسلم بود که هدف از آن برنامه، حمله و بی اعتبار ساختن شخص اعلیحضرت بود ولی میتوان گفت که هیچکس حتی نویسنده تحریرات هم نمیدانست که چرا مسئله بی اعتبار کردن اعلیحضرت بعنوان یک هدف و یا دستاورد تازه ای مطرح شده است، حتی در تحریرات توجه تحریر، به موقعیت ضعیف بین المللی جمهوری اسلامی و رقابت های مجاهدین خلق و امثال آنها معطوف شد. در حالیکه با نزدیک شدن به زمان انتخابات و موقعیت بسیار ضعیف اعلیحضرت در تحریم انتخابات جمهوری اسلامی که برخلاف سالهای قبل بود نشان داد، که رابطه بین حمله به اعتبار و احترام و شخصیت اعلیحضرت

از سوی توطئه کنندگان نامه هشدار فصلی بوده که دست‌آورد آن در انتخابات ریاست جمهوری بیش روی جمهوری اسلامی قابل برداشت باشد و برداشت هم شد.

البته اعلیحضرت انتخابات ریاست جمهوری را در عبارت «فرقه تبهکار و کلاهبردار» تحریم فرمودند ولی بهر حال نتایج بدست آمده و ملاحظات عینی در خارج از کشور و آمار ۷۰ درصدی انتخابات اینطور نمودار است که نقش تحریم انتخابات از سوی اعلیحضرت بسیار ضعیف و نا متناسب بوده است؛ و این تحریر سخت معتقد است که زمینه این ضعف و ناکاری تحریم انتخابات بوسیله اعلیحضرت، صد درصد در برنامه اجرای نامه هشدار که تامین کننده خواست جمهوری اسلامی در انتخابات جمهوری اسلامی است، جاسازی شده بود.

اما چگونه

استاد همائی که استاد فقه و اصول در دانشکده حقوق تهران در آن سالهای اول بود، از بی‌تی استفاده میکرد که آن این بود

تا طفل سیبی نبیند که هست پیازگندیده را ندهد از دست (حکیم مولوی)

بشراینطوری است؛ برایش دشوار است به چیزی که آشنا نیست ویا نمیداند که چیست ویا کیست تن بدهد.

درمقابل فرقه تبهکار غاصب ایران یعنی جمهوری اسلامی که بصورت پیازمتعفن گندیده ای درآمد تنها سیبی که مردم آنرا میشناسند و از عطر و بو و طعم آن کاملا آگاهند و از صغیر و کبیر در انتظار از دست دادن آن پیاز متعفن و استقبال از آن سیب هستند رضاشاه دوم است.

بغیر از این سیب ویا قطب و نماد ملی ایرانیان هیچکس نیست؛ که آشنای مردم واز دل فرهنگ و تاریخ ایرانیان برآمده باشد.

یک چراغ است در این راه که توسل جوئیم غیر از این نیست چراغی که توسل جوئیم

اما همان نیروی خارجی که پیازگندیده جمهوری اسلامی را با سیب معطر مورد علاقه ملت ایران عوض کرد تنها توانست مانع تجلی آن سیب در موقعیت تداوم سلطنت گردد که میدانید مقصود از این اشاره جامعیت طرح هنری پرشت است، اما آن طرح اثر بیرونی دارد یعنی در ابراز موقعیت سیاسی، اعلیحضرت را دچار محذور میسازد و در تعصبات و علاقه و انتظار توده مردم به ایشان تاثیری ندارد زیرا روال بصیرت توده مردم، ناشی از کار و اعتقاد سیاسی نیست که از کسی و یا شخصیتی طرفداری میکنند، گرایشهای فرهنگی و ملی و صفات خاص ملت هاست که موجبات گرایش توده های وسیع ایرانی را به اشخاص بخصوصی فراهم میسازد.

درمقابل بوی متعفن و گریز ساز جمهوری اسلامی بطور طبیعی توجه و امید ها به سوی تنها کس یعنی رضاپهلوی که سوگند وفاداری به ملت و متعهد تامین رفاه و امنیت آنهاست جلب میشود که شده است.

تنها و باز هم تکرار میکنم تنها راه قطع امید و انصراف مردم از اعلیحضرت همین رفتار های بخشی از ایرانیان خارج از کشور است که زیر عنوان ادعایی «سلطنت طلب» و توطئه کثیف نامه هشدار یک کار

نامه ۳۱ موردی از اتهامات سنگین ضد ایران و ملت ایران و فحاشی های بسیار زشت در یک محکمه صحرایی متوجه اعلیحضرت کرده اند و در واقع به ملت ایران قبل از انتخابات اخیر گفتند که آن سببی که شما انتظارش را دارید این است با صفات زیر نه آن چیزی که درمخيله خودتان با آن خوگرفته اید.

معرفی شخصیت اعلیحضرت!!

آن مدعیان عنوان و سواد افاضه فرمودند:

- ۱- دشمنی با موجودیت ایران ۲- دشمنی با ملت ایران - ۳- مرگ برشاه ۴- بیکاره - ۵- شارلاتان - ۶- احمق - ۷- کوتاه بین - ۸- بیسواد - ۹- پول پرست - ۱۰- خائن - ۱۱- بیشرف - ۱۲- بی ابرو - ۱۳- مفتضح - ۱۴- پشه - ۱۵- عروسگ - ۱۶- حقه باز - ۱۷- غیرقابل اعتماد - ۱۸- دروغگو - ۱۹- خمینی دوم - ۲۰ - کسی که چاره ای جز کوبیدن سرش به دیوار ندارد - ۲۱- فضولات انسان - ۲۲- نالایق - ۲۳- بدجنس - ۲۴- ازبابت غرور خدا - ۲۵- درود بر مردمی که در فیس بوک به رضاپهلوی توهین میکنند - ۲۶- رضاپهلوی پشت به میهن کرده - ۲۷- کجرو و ناتوان - ۲۸- جیره خوار شیوخ عرب - ۲۹- شاه سلطان حسین ما - ۳۰- آزادگان برویش تف انداخته اند - ۳۱- او لیاقت تف انداختن به صورتش را هم ندارد.

به این اکتفا نکرده برخلاف میل و خواسته ایشان تظاهرات راه انداخته، قانون اساسی نوشته و ادعای «رهبری» و فراخواند داشته اند.

شهود معرفی نامه اعلیحضرت

اعتبار معرفی نامه و یا شهادت نسبت به شخصیت و خلق و خوی افراد رابطه مستقیم، با شخصیت شهود و معرفیان دارد معمولاً شهادت ۴ نفر که نزد مردم شهرت داشته باشند، قبول شهادت، به وزن حقوقی خود نزدیک میشود.

چنانکه میدانید شهادت نامه معرفی اعلیحضرت به امضای ۵۰ نفر از کسانی که در فهرست اسامی سلطنت طلبان خارج از کشور جا دارند رسیده است و در بین آنها سلطنت طلبان سرشناسی مانند آقای احمد فراستی رئیس اداره هشتم سازمان امنیت ایران - هومر آبرامیان متولی پیکره کوروش - منوچهر رزم آرا وزیر شاپوربختیار- سیروس شرفشاهی روزنامه نگار- فیروزه غفارپور منشی سابق دبیر خانه اعلیحضرت، شهریارفتحی بنیان گذار رادیو ندای پادشاهی به تقلید از رادیو تداوم پادشاهی که متولی اش درگذشت - مصطفی عرب دارنده نشریه پژوهش (فحاش بزرگ)- امیرحکیم (سازمان خد شاه میهن)، بردیا پارس (نام قلابی) کارمند دبیر خانه اعلیحضرت و امید دانا که کارگردان اصلی برنامه نامه هشدار و اتهام سازی علیه اعلیحضرت است و عده بسیاری دیگری که تماماً کنشگران سیاسی و فرهنگی معرفی شده اند رسیده است.

غافل از این توجه نباشیم که توطئه نامه هشدار با ظاهر و باطن همان ۵۰ نفر خودنما نیست، تمام تلویزیونهای ایرانیان خارج از کشور به حمایت از آن توطئه برآمدند، حتی مصاحبه هائی ترتیب داده شد که موضوع شهادت نامه با حالت بصری و حضوری شاهد همراهِ گردد، مانند مصاحبه سرکرده توطئه مزبور با خانم

رکسان گنجی و خانم شهلا ممتاز و دیگران و از جمله علی فرازنده که خود را رهبر ۲۰ میلیون ایرانی و خارجی میدانند و بیشترین و سنگین ترین اتهامات به اعلیحضرت هم بوسیله او تدارک شده است.

علی فرازنده خود را در موقعیتی معرفی کرده که با داشتن ۲۰ میلیون طرفدار میتواند قطب تحریم انتخابات را تشکیل دهد این آدم که در تحریرات به مرد ۲۰ میلیون نفری نامیده شده بجای تحریم انتخابات شخص اعلیحضرت را که میتواند نماد تحریم انتخابات باشد باچنان اتهامات و فحاشی هائی روبرو ساخت که در واقع بجای اینکه انتخابات را تحریم کند تحریم کننده انتخابات را از اعتبار ساقط ساخت.

آیا دشوار است اهمیت این اقدامات تیم توطئه را در فراهم کردن زمینه انتخابات سالم برای فرقه تبهکار جمهوری اسلامی و بدور از قدرت تحریم انتخابات منظور نداشت؟

خودداوری فرمائید

شما خواننده محترم این تحریر خود داوری فرمائید؛ در حالیکه ۵۰ نفر افراد با نام و نشان و سابقه سلطنت طلبی درکنارفرستنده های خبری تلویزیونی لوس آنجلس و حتی اروپا ازاین شهادت نامه حمایت میکنند و در کلامی ساده بار شهادت و اعلام اتهامات علیه اعلیحضرت را چنین سنگین و محکم می بینند، یعنی تمام اتهاماتی که متوجه اعلیحضرت کرده اند را تائید مینمایند، آیا شما بفرمان تحریم انتخابات چنین شخصی تن میدهید و یک آدمی که به دشمنی با موجودیت ایران و بی شرافتی و وطن فروشی و اتهامات و اهانت هائی که به او نسبت داده شده است میتواند فرمان تحریم انتخابات ریاست جمهوری را بدهد و اگر داد کسی به او توجهی خواهد داشت، کسیکه به شهادت آن ۵۰ نفر لایق تف دیگران هم نیست چگونه میتواند در امر انتخابات کشوری دخالت کند و چه انتظاری است که مردم از آن فرمان تبعیت نمایند (با کدام رو توتمنای گدائی داری)؟!

✽✽ توطئه هشدار که با بصیرت خاصه افراد اطلاعاتی جمهوری اسلامی داخل و خارج از کشور تهیه شده بود توانست سلامت انتخابات ریاست جمهوری فرقه تبهکار را از آسیب تحریم حفظ کند.

✽✽ طرح توطئه نامه هشدار برای تامین انتخابات جمهوری اسلامی ازگزند تحریم اعلیحضرت حدود ۶ ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری فرقه تبهکار جمهوری اسلامی تدوین و براه افتاد و حدود یکی دو ماه قبل از شروع انتخابات ریاست جمهوری با نتیجه بخشی کاملاً رضایت بخش برای جمهوری اسلامی تمام شد.

✽✽ جمهوری اسلامی بدست و زیر حمایت سلطنت طلبان بادی به یکی از برنامه ها و طرح های کاملاً مخفی خود در خارج از ایران بدست ایرانیان آنها در عبارت سلطنت طلبان جامعه عمل پوشاند.

✽✽ از مشخصات انحصاری این طرح، فوق محرمانه بودن است که تاکنون معلوم نیست که دست اندرکاران آن برنامه بغیر از امید دانا و آقای احمد فراستی بعنوان مدافع طرح خاصه تنظیم کننده آن نامه و تشکیل دهندگان آن محکمه صحرانی چه کسانی بوده اند. ایرانیان معمولاً عادت به این پنهان کاری ها ندارند مگر آنکه ناظر عمل آنها جمهوری اسلامی و یایک کشور خارجی باشد.